

## متن سخنرانی افتتاحیه

### جناب آقای دکتر محسن نوربخش

مقام محترم ریاست کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

قبل از هر چیز لازم می‌دانم از حضار محترم که دعوت بانک مرکزی و سیستم بانکی را پذیرفته و با حضورشان در هفتمین سمینار بانکداری اسلامی ما را مفتخر کرده‌اند تشکر کنم. از برگزارکنندگان سمینار که هر سال در جهت غنی کردن بیشتر این سمینار و استفاده از فکر صاحب‌نظران تلاش می‌کنند تا سیستم بانکی جهت‌گیری صحیح‌تری یابد، نیز تشکر می‌کنم. امیدوارم در پایان این سمینار بتوانیم با جمع‌بندی نظراتی که ارائه می‌شود، در جهت بهبود سیستم بانکی و تکمیل کار استفاده کنیم. با توجه به حضور استادان محترم و کارکنان با تجربه سیستم بانکی و مدیران، ابتدا اجازه می‌خواهم که به عنوان مسوول اجرایی سیستم بانکی، گزارش خلاصه‌ای از آخرین عملکرد سیستم بانکی را خدمتتان ارائه دهم. وقتی ما به بررسی بانکداری اسلامی می‌پردازیم و وقتی به خصوص از لحاظ نظری و تئوریک می‌خواهیم مفهوم بانکداری اسلامی را مورد توجه قرار بدهیم، ابتدا لازم است به عنوان یک روش علمی، چگونگی آخرین وضعیت گذشته را به‌بینیم، اینکه اکنون در کجا قرار گرفته‌ایم، مشکلاتی که با آن روبرو هستیم چیست؟ به خصوص با توجه به محور اصلی بحث سمینار، «حفظ ارزش پول»، ما چگونه می‌توانیم سیستم بانکی را هدایت کنیم تا این وظیفه و رسالتی را که در این زمینه بر عهده دارد (که البته به تنهایی نمی‌تواند از عهده آن برآید)، با قدرت و قوت بیشتری انجام دهد.

قاعداً، در این ارزیابی عملکرد، هر یک از حضار محترم با توجه به تجربه و کار خود می‌توانند از

حاصل بحث این سمینار در آن جهتی که مورد نظر است بهره برده و به خصوص در جهت بحث «حفظ ارزش پول» استفاده بیشتری نمایند.

من اگر بخواهم به صورت سیستماتیک عملکرد پولی و بانکی را با توجه به آخرین آماری که از بخشهای مربوط در بانک مرکزی به دست آورده‌ام، یعنی آمار تیرماه سال ۱۳۷۵، نشان دهم، می‌توانم این عملکرد را به دو قسمت اصلی خلاصه کنم: مورد اول نحوه جمع‌آوری سپرده‌ها و مورد دوم نحوه‌ی به‌کارگیری این سپرده‌ها که اگر دقت کرده باشید، در قانون عملیات بانکی بدون ربا هم، در دو فصل مختلف، روشهای متفاوتی در جهت انجام این دو وظیفه برای سیستم بانکی بیان شده است. فصلی که به جمع‌آوری سپرده‌ها مربوط می‌شود و بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران این وظیفه را بر عهده دارد که با دقت می‌باید مطمح نظر قرار گیرد. رابطه بین سپرده‌گذار و بانک که در واقع در چارچوب وکالت قرار دارد و بنابراین، لازم است بانکها این وظیفه و مسوولیتی را که برعهده دارند به خوبی انجام دهند. در فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، به مساله به‌کارگیری این پس‌اندازها و سپرده‌های جمع‌آوری شده و استفاده از آنها در مناسبتهای مختلف و به روشهای گوناگون، اشاره شده است. آنچه می‌باید در جمع‌آوری سپرده‌ها مورد توجه قرار گیرد، به منشاء سپرده‌ها مربوط می‌شود و اینکه اصولاً در چه شرایطی امکان جذب سپرده و در نتیجه امکان ایجاد منابع مالی بیشتر و در چه شرایطی امکان جذب کمتر است. به عبارت دیگر، ما باید بحث جذب سپرده را در ارتباط با وضع نقدینگی در جامعه مطرح کنیم. اگر بدون توجه به رشد نقدینگی و بدون توجه به اینکه نقدینگی کلاً چه مقدار اضافه شده است، ما صرفاً آمار عملکرد سپرده‌ها را در سیستم بانکی مورد دقت قرار دهیم، ممکن است این آمار نتواند به معنای واقعی کلمه، بیان‌کننده توفیق یا عدم توفیق سیستم بانکی در جذب سپرده‌ها، تشویق مردم به پس‌انداز و آنچه مبنای کار است، باشد. به همین دلیل، ابتدا باید توجه کنیم که طی این مدت، کلاً رشد نقدینگی چه مقدار بوده و از این نقدینگی تولید شده چه مقدار در انواع سپرده‌ها در بخش بانکی متمرکز شده است؟ طبق آماری که ما تا پایان تیرماه در مورد رشد نقدینگی داریم، رشد نقدینگی در چهار ماهه ابتدای سال ۷۵، حدود ۴ درصد بوده است. توجه برادران و خواهران را به این نکته جلب می‌کنم که در سال ۷۴، طی همین مدت، یعنی در چهار ماهه ابتدای سال (تیرماه ۷۴)، رشد نقدینگی حدود ۶/۷ درصد بوده است. به عبارت دیگر، رشد نقدینگی طی مدت مشابه از سال ۷۴ تا ۷۵ حدود ۲/۷ درصد کاهش یافته که این یک قدم یا یک گام به سمت همان هدفی است که از لحاظ کاهش رشد نقدینگی، کاهش فشار تورمی و حفظ ارزش پول مورد نظر سیستم پولی و بانکی می‌باشد. در ارتباط با ۴ درصد رشد که طی این مدت داشتیم، معیار دیگری وجود دارد که به وسیله آن می‌توانیم مشخص کنیم که چه بخشی در سیستم بانکی متمرکز شده است

و چه بخشی در خارج از سیستم بانکی قرار داشته است. یکی از معیارهایی که می‌توان از آن استفاده کرد، اصطلاحاً نسبت اسکناس و مسکوک در دست مردم به کل نقدینگی می‌باشد که این رقم باز در تیرماه سال ۷۴ حدود ۱۱/۹ درصد بوده است. ما این رقم را در تیرماه سال ۷۵ به ۱۰/۳ درصد رساندیم. بنابراین، از کل قدرت خریدی که در جامعه ایجاد شده، آن بخشی که در انواع حسابها در سیستم بانکی متمرکز شده، ۴ درصد بوده است. آنچه خارج از شبکه بانکی قرار داشته، در سال گذشته به حدود ۱۲ درصد بالغ گردیده است. در سال ۷۵، این رقم به حدود ۱۰ درصد رسیده است. یعنی باز در ارزیابی از عملکرد این بخش از عملیات بانک، می‌توانیم بگوییم که بانک‌ها در متمرکز ساختن سپرده بیشتری تحت عنوان حسابهای مختلف در سیستم بانکی موفق بوده‌اند. منتها، در همین جا لازم است نکته‌ای را بیان کنم که این هنوز به معنای توفیق کار نیست. زیرا ممکن است این تمرکز در سیستم بانکی فرضاً در حساب جاری باشد که حساب جاری هم در واقع نوعی پول است که میعان و گردش قدرت خریدش سریع است و می‌تواند سبب لطماتی شود که نگران‌ش هستیم. بنابراین، بعد از این مرحله، باید به‌بینیم که نحوه‌ی توزیع این سپرده‌ها در بخشهای مختلف چگونه بوده است؟ در همین جا، باز لازم است این آمار را بیان کنم که رشد سپرده‌ها در سیستم بانکی در چهار ماهه ابتدای سال ۷۵، حدود ۶/۶ درصد بوده است در مقابل ۴ درصد رشد نقدینگی. همان طور که عرض کردم، آنچه خارج از شبکه بانکی قرار داشته است، حدود ۱۰ درصد است که در سال گذشته به حدود ۱۲ درصد بالغ می‌گردیده و این نشان دهنده توفیق در کار است. حال، با توجه به افزایش سپرده‌ها، یعنی ۶/۶ درصد، باید به‌بینیم نحوه‌ی توزیع این سپرده‌ها در حسابهای مختلفی که داریم چگونه است؟ سپرده‌های دیداری طی این مدت در حدود ۴ درصد و سپرده‌های غیردیداری حدود ۸/۳ درصد رشد یافته است.

پس، حجم بیشتری در سپرده‌ها به سمت انواع حسابهایی رفته است که گردش کمتری داشته و بنابراین، آسیب کمتری از لحاظ مساله تورم و «حفظ ارزش پول» به اقتصاد کشور وارد می‌کند. اگر باز به نحوه توزیع بخش غیردیداری توجه کنیم، متوجه می‌شویم که حسابهای قرض‌الحسنه پس‌انداز حدود ۸/۲ درصد رشد داشته است که این با توجه به هدفهایی که معمولاً برای حسابهای قرض‌الحسنه در سیستم بانکی تعریف می‌شود، خود رقم کاملاً قابل توجهی است. یکی از خصوصیات ویژه‌ای که بانکداری اسلامی دارد این است که پس‌انداز قرض‌الحسنه تشویق گردد و از آن در امور مورد نظر مانند: کمک به تامین هزینه ازدواج، تامین شغل، کمک به بخشهای ضعیف اقتصادی کشور، نظیر بخش کشاورزی و غیره استفاده گردد. زیرا، هرچه رشد این بخش بیشتر باشد، امکانات بیشتری برای سیستم بانکی فراهم می‌شود. به هر حال، قرض‌الحسنه‌های پس‌انداز ۸/۲ درصد رشد داشته

است. بخش مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری به حدود ۱۱/۲ درصد بالغ گردیده است. نکته مهم در مورد سپرده‌های متفرقه این است که آنچه تحت عنوان پیش پرداخت گشایش اعتبار و غیره منظور می‌شود، حدود ۹ درصد رشد داشته است. یعنی، به عبارت دیگر، بیشترین رشد سپرده‌ها در حسابهای اصلی بانک بوده و آن هم در حسابهایی که از جهت ارزیابی کلی، از گردش کالایی دورتر است. این قبیل حسابها، در واقع توقف بیشتری در سیستم بانکی دارد و بنابراین، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که افزایش سپرده‌ها و تمرکزش در بانک، آسیب کمتری به اقتصاد کشور می‌زند. به هر حال، به طور کلی، کنترل افزایش نقدینگی یکی از پارامترهایی است که مورد نظر سیستم بانکی است. به عبارت دیگر، ما می‌توانیم بگوییم که در این بخش، از لحاظ کنترل کمیت سپرده‌ها نسبت به سال گذشته، وضع بهتری داریم. نمی‌خواهم بگویم که ما موفق بوده‌ایم یا ناموفق. ولی وقتی به طور نسبی مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که نسبت به سال گذشته، در همین تاریخ تیر ماه، هم حجم نقدینگی رشد کمتری داشته و هم ترکیب این نقدینگی به سمت ترکیب سالمتری منعطف شده است. همان طور که عرض کردم، رشد قابل ملاحظه‌ای در انواع سپرده‌ها وجود دارد که از اهمیت شایانی برخوردار است: حجم سپرده‌های سیستم بانکی در حال حاضر یعنی تیرماه، به رقمی حدود ۷۹،۰۰۰ میلیارد ریال رسیده که می‌توانیم بگوییم این بخش از وظایف بانکداری اسلامی یعنی بخش جمع‌آوری سپرده‌ها در سیستم بانکی، عملکرد نسبتاً خوبی داشته است. شاید بتوان گفت که در سال ۷۵، با وجود روند تورمی، پس‌اندازکنندگان روش سپرده‌گذاری در بانک را با توجه به سود مورد انتظار، به طور جدی انتخاب کرده‌اند که در خاتمه عرایض در پایان همین قسمت، آماری را ارائه خواهم داد. انتخاب مردم از لحاظ روش سپرده‌گذاری در بانک‌ها به عنوان یکی از زمینه‌های جالب سرمایه‌گذاری، چیزی است که مورد نظر ما بوده و ما باید بتوانیم با توجه به قانون عملیات بانکی بدون ربا مردم را به پس‌انداز تشویق نموده و این پس‌اندازها را با در نظر گرفتن قسمت دوم وظایف عملیات بانکی بدون ربا که استفاده صحیح از منابع می‌باشد، و نیز سیاستهایی که مورد نظر ما قرار دارد در سرمایه‌گذاریهای لازم و صحیح به کار ببریم. می‌توانیم بگوییم که مدیریت بانک‌ها و سیستم بانکی وظایف خود را در این بخش، یعنی در جهت جذب بیشتر سپرده‌ها، تا جایی که توانسته‌اند انجام داده‌اند. بحث دومی که در اینجا مطرح می‌شود، بحث به کارگیری این سپرده‌ها در بخشهای مختلف و چارچوب‌های مشخص می‌باشد. در این قسمت‌ها، با در نظر گرفتن موارد قانونی و تبصره‌های مختلف، باید هر مبلغی را به بخش مربوط اختصاص دهیم. یعنی مدیریت بانک‌ها، با توجه به سیاستهای پولی، باید این مبالغ را در بخشهای مختلف صنعت، کشاورزی و مسکن و سایر بخشها به کار گیرند.

گاهی اوقات بین این دو وظیفه که برای ما بیان شده است، تعارض ایجاد می‌شود. یعنی تعارض بین آنچه ما در چارچوب سیاستهای بخشی باید انجام دهیم و آنچه در قانون بودجه به ما تکلیف شده است تا در چارچوب تبصره‌های مختلف تسهیلاتی را پرداخت نماییم. به طور مثال: در چارچوب سیاستها و گردش عملیاتی، تخصیص ۳۳ درصد از منابع را در بخش صنعت یا ۲۹ درصد از منابع را در بخش مسکن مناسب تشخیص می‌دهیم. در احکام بودجه مشخص می‌گردد که فرضاً در قالب تبصره ۳، چه مبلغی برای چه مصارفی اختصاص پیدا کند و یا در قالب تبصره ۶۲ سیستم بانکی چه مبلغی را برای آبیاری تحت فشار و یا سایر تبصره‌هایی که وجود دارد، پرداخت نماید. در بررسی‌هایی که انجام می‌دهیم و نیز در بررسی همین سال ۷۵، متوجه تعارض بین این دو تکلیف می‌شویم. سخت‌ترین وظیفه برای مدیریت بانک‌ها و به خصوص برای ما در بانک مرکزی، انتخاب یکی از این دو تکلیف قانونی می‌باشد که خود یکی از مشکلاتی است که با آن روبرو هستیم. مشکل دیگری که با آن روبرو هستیم و به خصوص از نمایندگان محترم مجلس تقاضا داریم در بررسی‌های سالانه بودجه به آن توجه فرمایند، این است که ما در مقابل منابعی که از طریق مردم جمع‌آوری می‌کنیم، به عنوان امین مردم در مقابل به کارگیری این منابع در بخشهایی که سودآوری داشته باشد، مسؤولیت داریم. از طرف دیگر، تکالیفی از لحاظ بودجه وجود دارد که با وظیفه مدیریت در تعارض قرار می‌گیرد.

البته، بخشی از مساله در خود قانون حل شده است. بدین معنا که وثیقه یا ضمانتی از طرف دولت تعیین می‌شود تا در صورت پیش آمد مخاطره‌ای در بازپرداخت، بازگشت آن منابع از طرف دولت تضمین گردد. چنانچه از لحاظ میزان سود مورد انتظار تفاوتی وجود داشته باشد، جبران این تفاوت را نیز دولت برعهده می‌گیرد. ما هم می‌پذیریم که به هر حال، یکی از وظایف بانک‌ها در چارچوب نظام ما و به خصوص بانکداری بدون ربا این است که اهداف کلی نظام را در نظر بگیرد و شاید یکی از ویژگیهای بانکداری اسلامی همین باشد که صرفاً بر اساس سودآوری و بر اساس اینکه چه تکلیفی از طرف سپرده‌گذار تعیین شده است، حرکت نکند؛ بلکه هم تامین منافع سپرده‌گذار را در نظر بگیرد و هم رسیدن به هدفها و آنچه از نظر سیاستهای کلی نظام مورد نظر است. منتها، بحثی که مطرح است این است که ما باید یک قدر مطلق و یک نسبت مشخصی را تعیین کنیم، به عبارت دیگر، بگوئیم از کل منابعی که در سیستم بانکی جمع‌آوری می‌شود، می‌خواهیم این درصدش را برای هدفهای خاصی سیاستگذاری کنیم، یا این درصدش را با توجه به تقاضاهای سالمی که در استفاده از منابع باشد، در اختیار مردم قرار دهیم. من نمی‌گویم که از این منابع در بخش تجارت یا بخش دلالتی و یا بخشهایی که به هر حال ممکن است برای نظام اقتصادی مشکل آفرین باشد، استفاده گردد. خیر، بلکه می‌گویم در همان بخشهای تولیدی و در چارچوب همان سیاستهایی که مورد نظر دولت است

استفاده شود. به طور مثال: این مقدار از منابع در صنعت به کار گرفته شود. این مقدار از منابع در کشاورزی استفاده گردد و به همین صورت در سایر بخشها، ولی، اختیار را به مردم و واحدهای تولیدی که متعلق به بخش خصوصی است بدهیم تا آنها بتوانند از این منابع استفاده کنند. در تشویق مردم به پس انداز و سرمایه گذاری در بانکها و استفاده از این منابع ما رابطه متقابلی را می بینیم. اگر قرار باشد که این رابطه یک رابطه یک طرفه باشد؛ یعنی مردم را به پس انداز و پس انداز بیشتر تشویق کرده و خود به جمع آوری این منابع در سیستم بانکی بپردازیم. ولی وقتی صحبت مصرف این منابع مطرح می شود، بگوئیم که فرد دیگری هست که درباره مصرف این منابع تصمیم بگیرد. در این صورت، بین مدیریت جمع آوری این منابع و مدیریت به کارگیری آن تعارضی پیش خواهد آمد و مشکلاتی را برای بانکها سبب خواهد شد. به هر حال، امیدواریم بتوانیم با مجلس محترم به تفاهم برسیم که درصد مشخصی از منابع و پس اندازی که در بانکها جمع آوری می شود، به آن تکالیفی که در قانون بودجه برای ما پیش بینی شده است اختصاص یابد و بخش دیگری در قالب سیاستهای نظام و دولت در بخشهای مختلف به مردم اختصاص پیدا کند تا رابطه بین بانک و مردم قطع نشود. در ارتباط با مصارف بخشها، چون در رسانه های مختلف و در محافل مختلف، بحث این است که بانکها نقدینگی کافی در اختیار واحدها قرار نمی دهند؛ به همین سبب من آماری را که تا پایان سال ۷۴ وجود دارد، در مورد بعضی از بخشها خدمتان ارائه می دهم. با توجه به این آمار خود شما قضاوت کنید که عملکرد بانکها در این زمینه چه بوده و ما چه مشکلاتی را از این جهت داریم. در بخش کشاورزی، حد مجاز تسهیلات تعیین شده ۲۵ درصد یعنی حدود ۹۲۱ میلیارد ریال بوده و عملکرد این بخش ۱۶۱۱ میلیارد ریال را نشان می دهد. یعنی به مراتب از حد مجاز فزونی گرفته است یعنی آنچه حاصل تسهیلاتی است که در سالهای قبل داده شده و اکنون دریافت می شود و مجدداً در همین بخش پرداخت می گردد، به اضافه مانده جدیدی که به آن اضافه می شود، با توجه به گردش عملیاتی در این بخش، ۳۵۲۰ میلیارد ریال است، یعنی بخش کشاورزی در حد ۳۵۲۰ میلیارد ریال از منابع سیستم بانکی استفاده کرده است. مهم تر از آن در بخش صنعت و معدن است که قسمت عمده انتقادات را از این بخش می شنویم. در این بخش، حد مجاز تقریباً ۳۳ درصد بوده است. اگر مانده تسهیلات به آن اضافه شود، به رقمی حدود ۱۰۲۳۵ میلیارد ریال بالغ می گردد. عملکردی که ما داشتیم، ۲۰۷۰۸ میلیارد ریال یعنی بیش از دو برابر است. گردش عملیاتی در بخش صنعت حدود ۱۰۶۱۶ میلیارد ریال است. یعنی بخش صنعت حدود ۲۰۷۰۸ میلیارد ریال افزایش مانده از منابع سیستم بانکی استفاده کرده است که در مقایسه با ۱۰۲۳۵ میلیارد ریال حد مجاز، در حد ۱۰۰۰۰ میلیارد ریال از منابع سیستم بانکی منتفع گردیده است. در بخش ساختمان، در مقابل ۱۰۰۶۹ میلیارد ریال افزایش

مانده مجاز، عملکرد ۲،۳۳۹ میلیارد ریال و گردش عملیات حدود ۳،۲۷۲ میلیارد ریال بوده است. من، در همین جا، اجازه می‌خواهم این نکته را عرض کنم و شاید این نکته جزو مفاهیمی باشد که در قالب بحث سمینار، در یک مفهوم وسیع‌تری باید به آن بپردازیم. ملاحظه می‌کنید آنچه سیستم بانکی در بخش کشاورزی، بخش صنعت و بخش ساختمان مصرف نموده است فراتر از آن چیزی است که برای عملیات مختلف در توانش بوده است. منتها، ما باید توجه کنیم و ببینیم که چه انتظاری از سیستم بانکی داریم؛ چه انتظاری از صنعت داریم؛ چه انتظاری از کشاورزی و سایر بخشها داریم (با توجه به تامین نیازهای خودشان). از زمانی که اولین کلنگ طرح به زمین زده می‌شود و موافقت اصولی به دست می‌آید تا زمانی که بحث سرمایه در گردش و تامین مواد اولیه کارخانه از طریق استفاده از تسهیلات اعطایی بانک‌ها مطرح می‌گردد، آیا باید متکی به منابع سیستم بانکی بود؟ در اینجا باید تفکیکی را قایل شده و بحث بازار سرمایه را به معنای وسیع کلمه مطرح کنیم. در چه بخشی از سیستم بانکی باید انتظار کمک داشت؟ در چه بخشی از ابزارهای دیگر باید استفاده کرد؟ متأسفانه، بازار سرمایه به معنای وسیع آن هنوز در سیستم اقتصادی ما به خوبی جا نیفتاده و شاید بتوان گفت که ما در ابتدای کار هستیم. البته، با تلاشهای سیستم بانکی و نیز در بخشهایی که شاید با کمک ما ایجاد شده، در یکی دو سال گذشته، قدمهایی در این زمینه برداشته شده است. به طور مثال: اگر شرکتی در بورس از سود قابل توجهی برخوردار باشد و در پایان هر سال بخواهد این سود را بین سهامدارانش تقسیم کند؛ از طرفی وقتی بحث سرمایه در گردش پیش می‌آید مجدداً به سیستم بانکی مراجعه کرده و تقاضای سرمایه برای تامین مواد اولیه نماید، به شدت با این امر مبارزه می‌کنیم. در بخش مربوط به کمیسیون اعتباری بانک مرکزی ما معمولاً اگر از حد ۵ میلیارد ریال بیشتر باشد، به گردش مالی آن طرح و آن شرکت توجه می‌کنیم. چنانچه شرکت خود از امکانات مالی برخوردار باشد و بخواهد از امکانات سیستم بانکی استفاده کند، مخالفت می‌کنیم. همین موجب شده است که اگر اشتباه نکنم، (البته جناب آقای رجایی\* می‌توانند رقم دقیق‌ترش را بگویند)، سال گذشته حدود ۱،۹۲۵ میلیارد ریال افزایش سرمایه داشتیم. شنیدم در همین چهار ماهه ابتدای سال، حدود ۷۰۰ میلیارد ریال افزایش سرمایه داشتیم که اگر همین روند ادامه یابد، مطمئناً در پایان سال به رقم خوبی خواهیم رسید. یعنی، واحدها به جای اینکه دچار کسری یا کمبود شوند، منابعی که نتیجه کارکرد شرکت است، در خود شرکت باقی می‌ماند و می‌توانند از آن استفاده کنند. ما این روند را حتماً ادامه خواهیم داد و این خود یکی از روشهای ما می‌باشد.

روش دیگری که در همین مدت به کار رفته و خوشبختانه نتیجه خوبی هم داشته است، روش

انتشار اوراق مشارکت و شرکتهای سرمایه‌گذاری است، البته، آن شرکتهایی که دارای حساب و کتاب مشخص بوده و با تنظیم روابط خود با سیستم بانکی به انتشار اوراق می‌پردازند. وقتی عملکرد شرکتهای را طی این مدت می‌بینیم، متوجه می‌شویم هرگونه اوراقی را که شرکتهای منتشر کرده‌اند، چه اوراق بهادار و چه اوراق مشارکت؛ همین که نام بانک‌ها روی آن بوده است، با استقبال بسیار خوب جامعه روبرو گردیده است. به طور مثال: بعضی از این اوراق را ما انتظار داشتیم که ظرف یک هفته به فروش برسد، در حالی که در همان دو روز اول به فروش رفته که خود دلیل بر این است که جامعه آمادگی استفاده از این ابزارها یا روشها را دارد. من فکر می‌کنم لازم است که بحث بازار سرمایه را واقعاً به معنای وسیع کلمه مورد توجه قرار بدهیم. امیدوارم در همین بحثهای بانکداری اسلامی بتوانیم به چنین هدفی برسیم. ابزارها یا روشهایی را که از نظر اسلامی می‌توان معرفی کرد، در این بازار شناخته شوند. اگر از نظر اسلامی تاکید شود که منعی بر آن نیست، مطمئناً، با استقبال بیشتر جامعه روبرو خواهد شد و ما می‌توانیم بازار سرمایه خودمان را به معنای واقعی گسترده کرده و معضلات سیستم بانکی را کمتر نماییم که به هر حال، برای ما مفید خواهد بود. من در همین باره اضافه کنم که بنابر همان رسالت و مسئولیتی که از نظر «حفظ ارزش پول» بر عهده سیستم بانکی قرار دارد، تلاش کردیم از لحاظ کنترل نقدینگی، تا جایی که میسر باشد، با استفاده از همین ابزارها یا روشها سبب شویم که عملکرد سال ۷۵ نسبت به سال ۷۴ وضع بهتری داشته باشد. همین امر موجب شده است که فشارهای تورمی کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند، به طوری که، شاخص خرده‌فروشی که در اردیبهشت سال ۷۴ حدود ۵۹ درصد رشد پیدا کرده بود، در حال حاضر به رقمی حدود ۲۶/۲ درصد رسیده است. امیدواریم که تا پایان سال این روند نزولی همچنان ادامه یابد. یکی از علایم این تحول به شاخص عمده فروشی مربوط می‌شود که همین یکی دو روز پیش آخرین آمار آن را به من دادند. خوشبختانه، در مرداد ماه شاخص عمده فروشی حدود ۰/۹ درصد افزایش پیدا کرده، در حالی که ماه گذشته در حدود بالغ بر ۲ درصد بوده. یعنی، به عبارت دیگر، رشد ۲ درصد به ۰/۹ درصد کاهش پیدا کرده است که این کاهش شاخص عمده فروشی، می‌تواند بر شاخص خرده فروشی نیز اثر بگذارد و این خود نویدی است، درخصوص کنترل میزان تورم که بتوانیم تا پایان سال موقعیت و آمار بهتری را ارائه بدهیم.

اجازه می‌خواهم که آمار خلاصه‌ای هم از قسمت ارزی ارائه داده و مطلب را ختم کنم. این آمار را من به این دلیل می‌خواهم در اینجا ارائه دهم که با توجه به تبلیغات وسیعی که در دنیای خارج و در ارتباط با مسایل مختلف اقتصادی متوجه کشور ماست، این اطمینان را به مردم و به شرکت کنندگان محترم در این سمینار بدهم که طبق آمار موجود، آخرین وضع ارزی ما چگونه است. در پایان سال ۷۴، تراز بازرگانی کشور در حدود ۵/۵ میلیارد دلار مثبت بوده و تراز حساب جاری ۳/۲ میلیارد دلار،

که در واقع تراز حساب جاری تفاوت کل دریافتها و پرداختهای جاری می‌باشد. در قسمت بازرگانی هم تفاوت صادرات و واردات، هم در قسمت بازرگانی در حدود ۵/۵ میلیارد دلار مثبت بوده و هم در قسمت حساب جاری که ۳/۲ میلیارد دلار می‌باشد.

طبق آخرین آماری که در سه ماهه اول سال ۷۵ داشتیم، تراز بازرگانی در حدود ۱/۷ میلیارد دلار مثبت بوده و تراز حساب جاری ۱/۲ میلیارد دلار. با روندی که ما می‌بینیم و با توجه به وضعی که درآمدهای صادراتی اعم از صادرات نفت و غیرنفت دارد، فکر می‌کنیم که تا پایان سال ۷۵، هم تراز بازرگانی و هم تراز جاری در وضعی به مراتب بهتر از سال ۷۴ باشد. با توجه به اینکه در این مجموعه ما تعهدات خارجی خودمان را به موقع انجام دادیم و انجام خواهیم داد و ذخایر ارزی ما نیز با امان نظر بر آماری که خدمتتان عرض کردم، روند مثبت و فزاینده خودش را دارد و امیدواریم که این وضع همچنان ادامه یابد. البته فکر می‌کنم که در مجموعه روند اقتصادی، تا مدتی دیگر بتوانیم آماری را از بخش واقعی اقتصاد هم منتشر کنیم. با توجه به رشد مثبتی که در سال ۷۴ داشتیم و با توجه به نحوه تامین اولیه مورد نیاز، فکر می‌کنیم که در سال ۷۵، رشد اقتصادی بیش از سال ۷۴ باشد. بنابراین، در یک جمع‌بندی مختصر می‌توانیم بگوییم که هم از جهت رشد اقتصادی، هم از جهت وضع ارزی و هم از جهت آثاری که روی میزان تورم و وضع تورم دارد، در موقعیت به مراتب بهتر و سالمتری نسبت به سال ۷۴ قرار خواهیم گرفت.

به هر حال، امیدوارم که وضع اقتصادی ما روند مثبت و رو به رشد خود را ادامه داده و با توجه به کوششی که در راه به کارگیری مفاهیم اسلامی در بخشهای مختلف، به خصوص در بخش بانکداری اسلامی، می‌شود که البته انتظار ما این است که بانکداری اسلامی را در معنا و مفهوم وسیعتر آن جستجو کرده و فقط به بحث آن نپردازیم، بتوانیم ترتیبی بدهیم که یک مرکز تحقیقات مستمر را با کمک حوزه علمیه، استادان محترم در حوزه علمیه و نیز استادان دانشگاهی برقرار نماییم تا مفاهیم اقتصاد اسلامی به طور مستمر در آن به بحث و بررسی گذارده شود. یعنی، به جای اینکه فقط سالی یک بار چنین سمیناری پیش آید و فرصتی باشد تا علاقمندان به این بحث و مسؤولان را بیشتر به دور هم جمع کرده و بتوانیم ترتیبی بدهیم که از نظر تشکیلاتی، کمیته و مجمعی برای بررسی دایمی این کار وجود داشته باشد. من این وظیفه را از جانب خودم وظیفه بانک مرکزی می‌دانم و مطمئنم که همکاران ما چه در بانک مرکزی و چه در سیستم بانکی از این کار استقبال کرده و تمام توان و نیروی خودشان را در خدمت چنین مجمعی قرار می‌دهند. امیدواریم که استادان محترم در حوزه علمیه و استادان محترم دانشگاهی نیز همکاری نزدیکی را در این زمینه با بانک مرکزی داشته باشند. ما از طرف بانک مرکزی و سیستم بانکی اعلام آمادگی می‌کنیم که از هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی و

هم از نظر نیروی انسانی آماده حمایت و پشتیبانی از چنین فکر و روشی هستیم. امیدواریم که با پاسخ مثبت دوستان روبرو شده و انشاءالله بتوانیم در این زمینه هم قدمهای موثری برداریم. البته متذکر می‌شوم من از شرکت کنندگان محترم این سمینار، به خصوص استادان محترم حوزه علمیه و دانشگاه تشکر می‌کنم و امیدوارم که این سمینار نتیجه بسیار رضایتبخشی داشته باشد و ما بتوانیم در عمل از نتایجی که حاصل کار و بحث و بررسی این سمینار است به نحو موثری استفاده کنیم. از حوصله‌ای که به خرج دادید و عرایض بنده را شنیدید متشکرم.

### والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین  
و السلام علیهم اجمعین  
اینجاست که من می‌خواهم به شما عرض کنم که من در این سمینار  
بسیار از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم که این سمینار نتیجه بسیار رضایتبخشی داشته باشد و ما بتوانیم در عمل از نتایجی که حاصل کار و بحث و بررسی این سمینار است به نحو موثری استفاده کنیم. از حوصله‌ای که به خرج دادید و عرایض بنده را شنیدید متشکرم.

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین  
و السلام علیهم اجمعین  
اینجاست که من می‌خواهم به شما عرض کنم که من در این سمینار  
بسیار از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم که این سمینار نتیجه بسیار رضایتبخشی داشته باشد و ما بتوانیم در عمل از نتایجی که حاصل کار و بحث و بررسی این سمینار است به نحو موثری استفاده کنیم. از حوصله‌ای که به خرج دادید و عرایض بنده را شنیدید متشکرم.